

بررسی رابطه بین دینداری با سازگاری زناشویی

(مطالعه موردی: زنان متأهل ساکن شهر گرگان)

غلامرضا خوش فر*

محبوبه ایلواری**

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۲۱



چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناخت رابطه دینداری با سازگاری زناشویی انجام شده است. از آنجایی که دینداری بر روابط خانوادگی اثرگذار است و با نظر به این که در شرایط کنونی استحکام ارزش‌های دینی در خانواده یکی از اهداف جامعه اسلامی ما است، پس پژوهش در این زمینه ضرورت دارد. روش پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام زنان متأهل ساکن شهر گرگان می‌باشد که تعداد آنها ۱۴۴۴۰۶ نفر بوده است. حجم نمونه آماری این پژوهش شامل ۳۶۰ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران تعیین

*. استادیار گروه علوم اجتماعی و سیاسی دانشگاه گلستان (مکاتبه کننده). khoshfar@gmail.com

** دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی بابل و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی

mitrailvari@yahoo.com

بندرگز.

شد. نمونه‌گیری با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انجام گرفت. برای انتخاب آزمودنی‌ها نخست ۳۶ محله به صورت تصادفی انتخاب شدند سپس در هر محله متناسب با تعداد خانوارهای ساکن و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک ۱۰ زن متأهل انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار سنجش در این پژوهش پرسشنامه سازگاری زناشویی لاک والاس و دینداری استارک بود. جهت تجزیه و تحلیل یافته‌ها افزون بر روش‌های آمار توصیفی از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون پس رونده استفاده شد. نتایج نشان دادند که بین میزان دینداری و سازگاری زناشویی رابطه معنادار وجود دارد. نتایج همچنین نشان داد که بین ابعاد اعتقادی، پیامدی و مناسکی دینداری نیز با سازگاری زناشویی رابطه معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که بعد پیامدی پیش بینی کننده قویتری برای سازگاری زناشویی است.

واژه‌های کلیدی: دینداری، سازگاری زناشویی، پیامدی، اعتقادی،

عاطفی، مناسکی

مقدمه و طرح مسأله

خانواده کانون مهر، محبت و تربیت و مبنای شکل‌گیری زندگی اجتماعی انسان‌هاست. آنچه در خانواده و یگانگی زن و مرد نقشی بیشتر بر عهده دارد، سازگاری زناشویی می‌باشد. به همین دلیل، بررسی مسئله سازگاری زناشویی از جهات گوناگون چه ابعاد فردی و چه ابعاد اجتماعی امری مهم است. در بعد فردی این مسئله مهم است چرا که اگر یک زوج در روابطشان با یکدیگر نتوانند به یک توافق نسبی و در نتیجه، سازگاری برسند، کارکردهای خانواده مختل می‌شود و شاید تنها راه حل آن جدایی باشد که این راه حل نیز پیامدهای منفی بسیاری برای هر یک از زوجین و فرزندان آنان در پی خواهد داشت. در بعد اجتماعی نیز این مسئله اهمیتی ویژه دارد زیرا اگر خانواده که کوچکترین واحد اجتماعی است، دچار دگرگونی و آسیب شود، بر کل جامعه تأثیر

می‌گذارد و سلامت جامعه را با مخاطره رو به رو می‌کند (معین، ۱۳۹۰: ۱۶۴). سازگاری زناشویی از عوامل مؤثر در ثبات خانواده‌ها و همچنین سلامت روانی همسران و فرزندان است. زندگی زناشویی با آرامش، انسجام، احساس تعلق و وابستگی بین اعضای خانواده، امنیت عاطفی و اهمیت مسائل خانواده در مقابل مسائل فردی به رضایت از زندگی منجر می‌شود. در حقیقت با تقویت این ابعاد رضایت از زندگی زناشویی افزایش می‌یابد.

اما با وجود خوشایند بودن پیوند ازدواج، سازگاری زناشویی به آسانی قابل دسترسی نیست. در نتیجه قوی‌ترین پیوند انسانی یعنی ازدواج در مستحکم‌ترین قرارگاه آن یعنی سامان خانواده در معرض خطر جدی قرار دارد. افزایش میزان طلاق در جوامع گوناگون و نیز کشور ما مؤید این مطلب است. همسران با داشتن احساس وابستگی به هم و داشتن احساس انسجام درونی احساس رضایت را در خود ایجاد می‌کنند انسجام گروه را می‌توان به عنوان سطح بالای خانواده مطرح نمود. وقتی اعضای خانواده بتوانند نیازهای همدیگر را در جهت هدف فردی و جمعی خود تأمین نمایند در واقع موجد انسجام خانواده می‌شوند (حاتمی، ۱۳۸۸: ۱۴).

در حقیقت زمینه‌ساز این انسجام برقراری آرامش درون خانواده و بین همسران می‌باشد، با برقراری آرامش در خانواده شاهد کاهش مشاجرات بین زوجین و به تبع آن کاهش مشکلات روحی و روانی می‌باشیم. دین انسان‌ها را از طرق گوناگون مانند تعریف معنای زندگی و مسئولیت آنها در قبال اجتماع مذهبی آماده می‌کند. در حقیقت پایبندی به دین منجر به ایجاد روابطی بدون تنش و مستحکم بین همسران می‌شود، که این امر خود سازگاری زناشویی که همان احساس خوشبختی و رضایت از یکدیگر می‌باشد را در پی خواهد داشت. از آنجایی که اسلام تأکید فراوانی بر استحکام ازدواج دارد، به گونه‌ای که نزد خدا هیچ بنایی مستحکم‌تر از ازدواج نیست و خداوند متعال هدف ازدواج را رسیدن به آرامش می‌داند؛ بر این اساس انتظار می‌رود کسانی که نسبت به ارزش‌های اسلامی پایبند هستند، دارای سازگاری زناشویی بیشتری نیز باشند. زیرا

تدین یکی از ارکان اساسی زندگی سعادت‌مندانه محسوب می‌شود. خانواده به عنوان یک گروه و واحد اجتماعی در بر گیرنده بیشترین، عمیق‌ترین و اساسی‌ترین مناسبات انسانی است که بر اساس ازدواج و زندگی زناشویی شکل می‌گیرد. روی هم رفته، ازدواج را می‌توان ارتباطی دانست که دارای تمامیت بی‌نظیر و گسترده‌ای است، اما با وجود خوشایند بودن پیوند ازدواج، داده‌های آماری حکایت از آن دارد که رضایت زوجین به آسانی قابل دسترسی نیست. در نتیجه قوی‌ترین پیوند انسانی یعنی ازدواج در مستحکم‌ترین قرارگاه آن یعنی سامان خانواده در معرض خطر جدی قرار دارد. افزایش میزان طلاق در جوامع گوناگون و نیز کشور ما (گزارش سازمان ثبت احوال، ۱۳۸۳، به نقل از خدایاری فرد، ۱۳۸۵: ۲) که بر اساس آخرین آمار منتشر شده از سوی سازمان ثبت احوال، افزایش ۴/۶ درصدی طلاق را گزارش می‌دهد (جام جم برخط، ۱۳۹۳)، مؤید این مطلب است.

از این رو ضروری است که عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی مورد توجه قرار گیرد. با شناسایی این عوامل می‌توان میزان ازدواج‌هایی را که منجر به ایجاد روابط نابسامان و پر تنش می‌شوند را کاهش داد و بر رضایت و شادکامی ازدواج‌های موجود افزود. همچنین دو نهاد خانواده و مذهب به هم وابسته و بر اهدافی یکسان تأکید دارند. زیرا دین به عنوان یکی از ضروریات زندگی بشر نقش مهمی در انضباط شخصی داشته، به طوری که با کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی در جامعه به صورت یک نیروی حیات بخش و سعادت‌پرور عمل می‌کند. دین با خصلت اجتماعی، پیروان خود را دور هم جمع می‌کند و با ایجاد پیوندهای مشترک و انسجام اجتماعی موجبات احساس سعادت و خوشبختی را فراهم می‌کند. همچنین، دین با تأثیرگذاری بر اعمال فردی، جهان‌بینی خاصی را در شخص ایجاد کرده، که احساس رضایت از زندگی را در وی ایجاد می‌کند (پور احمد، ۱۳۹۱: ۱۰). بر همین اساس، این پژوهش در پی آن است که ارتباط دینداری با سازگاری زناشویی را بسنجد. برای انجام این کار، زنان متأهل ساکن شهرستان گرگان به عنوان جامعه هدف انتخاب شدند. دلیل انتخاب آنها، نقش

مهمی است که خانواده‌ها در جامعه ایفا می‌کنند. آنها در ارتباط مستقیم با کودکان هستند و چنانچه از کیفیت زندگی خوب و مناسبی برخوردار نباشند، طبیعتاً هم خودشان آسیب می‌بینند و هم جامعه دچار مشکل خواهد شد. با اشراف بر مطالب یاد شده، در این پژوهش مسأله اساسی، «سازگاری زناشویی» است که رابطه آن با دینداری به عنوان یکی از مهمترین عوامل مرتبط، مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

یک بررسی اجمالی از پژوهش‌های انجام شده در داخل و خارج از کشور در زمینه‌های دینداری و سازگاری زناشویی نشان می‌دهد که تا کنون پژوهش‌های متعددی در مورد این دو سازه انجام شده است. در زمینه ارتباط این دو سازه چندین پژوهش خارجی و داخلی به شرح ذیل انجام شده است.

احمدی و همکاران در سال ۱۳۸۵ در مقاله‌ای با عنوان: «بررسی رابطه بین تقیدات مذهبی و سازگاری زناشویی» در شهر تهران به این نتیجه می‌رسند که میزان سازگاری زناشویی در بین افرادی که تقیدات مذهبی زیادی دارند به طور معناداری بیش از کسانی است که دارای تقیدات مذهبی کمی هستند. بر این اساس میزان سازگاری زناشویی در میان افراد دارای تقیدات مذهبی خیلی زیاد، و در میان افراد دارای تقیدات مذهبی کم، کمترین میزان را دارد.

خدایاری فرد در سال ۱۳۸۵ طبق مطالعه‌ای با عنوان: «رابطه نگرش مذهبی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل»، به بررسی رابطه نگرش مذهبی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه تهران پرداخته است. گروه نمونه این پژوهش شامل ۱۵۶ دانشجوی متأهل دانشگاه تهران بوده است که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش مقیاس نگرش مذهبی خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۵) و مقیاس سازگاری زناشویی اسپانیر (۱۹۷۶) بود. آزمون ضرایب همبستگی نشان داد که بین نگرش مذهبی و رضایت‌مندی زناشویی

رابطه مثبت و معنا دار وجود دارد. از بین چهار خرده مقیاس سازگاری زناشویی، نگرش مذهبی بیشترین رابطه را با رضایت دو نفری نشان داد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، خانواده درمان‌گرها می‌توانند نقش باورهای مذهبی را، هم در بروز و هم، در حل اختلافات زناشویی، به عنوان عاملی مهم در نظر بگیرند. در پایان نیز همسوئی و عدم همسوئی یافته‌ها مورد بحث واقع شده است.

حاتمی و همکاران در سال ۱۳۸۸ پژوهشی با عنوان: «بررسی تأثیر میزان دینداری بر رضایت از زندگی زناشویی» را با هدف سنجش میزان اثرات دینداری بر رضایت از زندگی در میان گروهی از پاسداران متأهل انجام دادند. تعداد ۳۷۰ نفر به عنوان نمونه نهایی در نظر گرفته شد، که از شیوه طبقه‌ای متناسب استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد که هر چه بر میزان دینداری فرد افزوده شود، میزان رضایت از زندگی افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر دینداری با رضایت از زندگی رابطه‌ای مثبت و مستقیم دارد.

ربانی در سال ۱۳۹۰ در پژوهشی با عنوان «بررسی تجربی رابطه دینداری و رضایت از زندگی» که با روش تحقیق اسنادی و با تحلیل ثانویه داده‌های آماری موج پنجم پیمایش ارزش‌های جهانی با نمونه‌ای ۲۶۶۷ نفری در ایران، به آزمون فرضیات پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که ابعاد گوناگون دینداری اثر یکسانی در میزان رضایت از زندگی ندارند به این صورت که اعتقاد به خدا و نیز مشارکت در مناسک جمعی دینی رضایت از زندگی بالاتری را برای فرد به همراه می‌آورند. همچنین نتایج گویای این امر است که شرایط مذهبی جامعه ایرانی محیط مناسبی را برای افزایش سطح رضایت از زندگی مؤمنان فراهم آورده است.

معین و همکاران در سال ۱۳۹۰، رابطه سخت‌رویی و سازگاری زناشویی دبیران شهر شیراز را بررسی کردند. جامعه آماری این پژوهش دبیران متوسطه چهار ناحیه شهر شیراز بود که ۳۲۴ نفر به صورت تصادفی خوشه‌ای مرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند و پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانیر و پرسشنامه سخت‌رویی (زمینه‌یابی دیدگاه‌های شخصی)، در مورد آنها اجرا گردید. نتایج نشان دادند که بین سخت‌رویی با

سازگاری زناشویی رابطه معنادار وجود دارد. بین کنترل، تعهد و مبارزه‌جویی با سازگاری زناشویی رابطه معنادار وجود دارد. بین سازگاری زناشویی زنان و مردان تفاوتی معنادار وجود دارد. بین میزان سخت‌رویی روانشناختی زنان و مردان تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که سخت‌رویی پیش‌بینی‌کننده سازگاری زناشویی است.

مطالعه نجمن در سال ۱۹۹۶ در زمینه تأثیر مرگ فرزند بر سازگاری زناشویی نشان داد که چنین وقایع استرس‌زایی با دیگر نتایج مثل کاستی‌هایی در موجودیت و یا کیفیت ارتباط بین زن و شوهر مرتبط است.

دولاهیت در سال ۲۰۰۵ تلاش کرد که به این پرسش پاسخ دهد که چگونه دینداری خانواده به حل مشکلات بزرگسالان، جوانان و بچه‌ها کمک و خانواده را قویتر می‌کند. تحقیقات تجربی نشان می‌دهد که در بین خانواده‌های مذهبی رضایت زناشویی بالاتر و نرخ طلاق کمتر می‌باشد. اعمال مذهبی با رضایت زناشویی و روابط نزدیک والدین و بچه‌ها مرتبط است به طوری که خشونت خانوادگی در میان زوج‌های مذهبی کمتر می‌باشد. تحلیل‌های دقیق در بررسی‌های گوناگون که بر روی افراد با مذهب‌های گوناگون انجام گرفته است نشان می‌دهد که سلامت روحی، جسمی و زناشویی با دینداری مرتبط است.

هاسلی جامی (۲۰۰۶) در زمینه ارزیابی رضایت زناشویی در میان زوج‌های تازه ازدواج کرده و ارتباط آن با دینداری و سبک دلبستگی احساسی در نمونه‌ای شامل ۱۸۴ زن و مردی که فرزند ندارند و ۱ تا ۵ سال از ازدواج آنها گذشته است، دریافت زوج‌هایی با اعتقادات مذهبی مشابه رضایت زناشویی بالاتری از زوج‌هایی که اختلافات مذهبی دارند را دارا می‌باشند. تعهد مذهبی در رابطه بین دلبستگی و رضایت زناشویی میانجی‌گری نمی‌کند اما این ارتباط را متعادل می‌کند، نتایج این تحقیق به روابط زناشویی زوج‌های تازه ازدواج کرده کمک خواهد کرد.

هاشمی در سال ۲۰۰۶ در تحقیقی با عنوان: «بررسی ارتباط بین سازگاری، استرس و افسردگی» که نمونه مطالعه شامل ۱۵۰ زن متأهل شاغل و غیر شاغل که در محدوده سنی ۱۸ تا ۵۰ سال می‌باشند، نشان داد که بین سازگاری زناشویی، استرس و افسردگی همبستگی معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان داد که زنان شاغل متأهل با مشکلات بیشتری مواجه هستند، همچنین زنان شاغل با تحصیلات عالی و زنان متأهل غیر شاغل از زندگی زناشویی بهتری برخوردارند و کمتر دچار افسردگی می‌شوند.

گراهام (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان: «بررسی ارتباط بین مذهب و ازدواج بر روی سلامتی» که شامل ۲۶۱۰ شرکت کننده که بیشتر نمونه‌ها آمریکایی آفریقایی بودند، در تحلیل به این نتیجه رسید که مذهب و ازدواج به عنوان اشکالی از حمایت اجتماعی هستند که به طور انفرادی بر سلامتی اثر می‌گذارند.

در پژوهش شیخا گل (۲۰۱۲) با عنوان: «تفاوت‌های جنسیتی در سازگاری زناشویی، سلامت روحی و واکنش‌های ناکامی در دوران میان سالی در دهلی هندوستان»، که نمونه شامل ۱۵۰ زن و ۱۵۰ مرد، کارمند بانک، سخنران و دکتر در محدوده سنی ۴۵ تا ۵۵ سال هندی می‌باشد ملاحظه کردند که زنان، سازگاری زناشویی سطح بالاتری نسبت به مردان دارند اما مردان نگرش گروه گراترینسبت به زنان دارند.

آنتونتا موررو (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان خانواده مبدأ، دلبستگی احساسی و سازگاری زناشویی، به منظور اندازه‌گیری متغیرها، ۱۶۴ زوج را مورد مطالعه قرار داد. نتایج نشان داد که ساخت فردی خانواده مبدأ دلبستگی احساسی را پیش‌بینی می‌کند و همچنین دلبستگی احساسی، سازگاری زناشویی را پیش‌بینی می‌کند.

با یک نگاه کلی به مجموع مباحث مطرح شده درباره سازگاری زناشویی می‌توان گفت که همه این تحقیقات به ارتباط و نقش دینداری و ابعاد گوناگون آن در سازگاری زناشویی، به عنوان یک مسأله اجتماعی مهم در جامعه پر تحول معاصر پرداخته‌اند. با توجه به تحقیقات صورت گرفته هم در داخل و هم در خارج از کشور، میزان دینداری از جمله مؤثرترین عوامل تأثیرگذار بر میزان سازگاری زوجین می‌باشد، که در تبیین

سازگاری زناشویی، اهمیت ویژه‌ای دارد. درباره توجیه انجام تحقیق و اهمیت جایگاه آن نسبت به سایر پژوهش‌ها باید اذعان نمود که عمده پژوهش‌های انجام شده در این رابطه بر روی زوجین و یا دانشجویان صورت گرفته، در حالی که پژوهش حاضر بر روی زنان متأهل ساکن محله‌های گوناگون شهر گرگان انجام شده است که تا کنون مشابه این تحقیق انجام نشده است.

مبانی نظری

از آنجایی که ازدواج، به عنوان یکی از زمینه‌های سازگاری در زندگی انسان می‌باشد، به طوری که ازدواج موفق و رضایتمندانه، مستلزم سطح پایداری از سازگاری زوجین است. سازگاری زناشویی را می‌توان به عنوان نظام خانواده یا حتی بخشی از نیروهای تأمین حیات و احیا کننده خانواده دانست. از نظر لیدرر^۱ سازگاری عبارت است از: رفتار مفید و مؤثر آدمی در تطابق با محیط فیزیکی و روانی به گونه‌ای که تنها با تغییرات محیط هم‌رنگی نکرده و به پیروی ناهشیار از آن بسنده نمی‌کند بلکه خود نیز می‌تواند در محیط تأثیر گذاشته و آن را به گونه‌ای مناسب تغییر دهد (معین، ۱۳۹۰: ۱۶۵).

براساس نظریه لاک والاس، سازگاری زناشویی به عنوان برون‌سازی هر یک از زوجین در موقعیت زمانی معین تعریف شده است. سازگاری زناشویی یکی از اصطلاحاتی است که به طور وسیع در مطالعات خانواده و زناشویی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این اصطلاح با بسیاری از اصطلاحات دیگر همچون «رضایت زناشویی»، «شادکامی زناشویی»، «موفقیت زناشویی» و «ثبات زناشویی» مرتبط است. می‌توان گفت سازگاری زناشویی یک اصطلاح چند بعدی است که سطوح چندگانه ازدواج را روشن می‌کند و فرایندی است که در طول زندگی زوجین بوجود می‌آید. همچنین سازگاری در روابط زناشویی بر جنبه‌های گوناگون کیفیت زندگی از جمله سلامت روانی زوجین،

رضایت از زندگی، رضایت از شغل و میزان درآمد، موقعیت تحصیلی و حتی طول عمر تأثیر می‌گذارد و تحقیقات متعدد، اهمیت سازگاری زناشویی را تأیید می‌کنند (شاکریان، ۱۳۹۱: ۱۶).

در پژوهش‌های گوناگون، عوامل متفاوتی به عنوان عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی شناسایی شده‌اند که از جمله این عوامل می‌توان به دینداری اشاره کرد. دین دارای چنان گستره‌ای در جوامع انسانی است که برخی از آن به عنوان فرانهاد یاد می‌کنند و معتقدند این نهاد سایر نهادهای اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. از این رو جامعه‌شناسان هیچ‌گاه به این عامل بی‌تفاوت نبوده‌اند و پیرامون منشاء و کارکردهای آن نظراتی داشته‌اند. در بین جامعه‌شناسان کلاسیک کنت با تأکید بر جهان‌بینی علمی و تلاش برای تاسیس دینی پوزیتیویستی، دورکیم با نوشتن کتاب صور بنیادی حیات دینی، و بر با نگارش کتاب اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری به اثرات دین در بین انسان‌ها صحنه گذاشته‌اند.

دورکیم چهار عملکرد عمده دین را چنین شرح می‌دهد:

۱. انضباط: دین با صیانت از نفس و تقوا و پرهیزگاری، از هرج و مرج ناشی از پرداختن انسان به تمایلات نفسانی و تضاد گرایش‌های فردی در جامعه جلوگیری می‌کند.

۲. امیدواری: دین با مراسم و پیوندهایش میان پیروان خود انسجام عاطفی و شناختی ایجاد می‌کند.

۳. حیات بخشی: دین با انتقال ارزش‌های اجتماعی به نسل‌های بعدی، به جوامع آینده نیز روح زندگی، انضباط و حرکت به سوی تعالی را می‌بخشد.

۴. خوشبختی: دین با حل معمای مرگ و احساس فقدان، امید و آرامش را به پیروان خود الهام می‌بخشد (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲).

یکی دیگر از کارکردهای دین، کارکرد معنا بخشی است که بُعد آرامش درونی خانواده را پوشش می‌دهد. دین از طریق شناساندن مبدأ، مقصد و مسیر حرکت و به طور

کلی با شناساندن هدف زندگی، به انسان مسیر حرکت و الگوهای رفتاری خاص می‌دهد که به زندگی انسان این گونه آرامش می‌بخشد. کارکرد معنا بخشی دین آرامش را درون خانواده ایجاد می‌کند. در دستگاه فکری یینگر^۱، دورکیم، برگر^۲ و حتی مارکس؛ دین عاملی برای آرامش بخشیدن به انسان تعبیر می‌شود. کارکرد دین در زندگی افراد آرامش بخشی، امیددهی، تولید شادابی، ارائه معنای زندگی، رضایت باطن و زندگی اصیل است. همچنین دورکیم، یینگر، برگر و ادی^۳ دین را به عنوان عامل قوام بخشی و مانعی برای بروز اختلافات یاد کرده‌اند. به زعم دورکیم مذهب ارتباطات اخلاقی را ایجاد و حفظ می‌کند. اعتقادات مذهبی قوی در یک جامعه ارزش‌ها و هنجارهای گروه را به وسیله اضافه کردن یک بُعد مقدس به زندگی روزمره، تقویت و تحکیم می‌بخشند. شعائر مذهبی از طریق جمع کردن مردم در یک محل، همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کنند. مشارکت در انجام شعایر و مناسک مذهبی چیزی بیشتر از حضور اعضا را به افراد القا می‌نماید. دین با چنین کارکردهایی در اجتماع بر روابط خانوادگی، با ابعاد گوناگون زندگی زناشویی (انسجام و وابستگی درونی بین همسران، آرامش درون خانواده، امنیت عاطفی و ...) رابطه دارد (حاتمی، ۱۳۸۸: ۱۶).

به همین ترتیب یینگر معتقد است با تکیه بر کارکرد دین در پاسخ‌دهی به مسائل بشری، شاهد رفع اضطراب و کاهش نگرانی‌های انسان به دلیل گم شدن در مسیر و در نتیجه بی‌عملی او هستیم. در واقع دین با ارائه کارکردهای سه گانه، تعیین وضعیت کنونی فرد و اجتماع، هدف نهایی و مسیر شناخت، کارکرد آرامش بخشی و حذف اضطراب را در افراد ایفا می‌کند. وی معتقد است که انسان‌ها تنها در اجتماع و همیاری یکدیگر به نظم بخشی جهان پیرامون می‌پردازند و با معنی کردن عالم به طور مشترک و همگانی، تجربه‌های آتی را معنا می‌بخشند. با تکیه بر این نظام معانی است که بشر

1. Yinger J.Milton
2. Berger ,Peter L
3. O'Deo, Thomas F

تجربه‌های روزمره را تفسیر می‌کند و با نتایج حاصله از این آزمون معنی و پاسخگویی نظام معانی موجود در جهان اجتماعی تجربه‌های روزمره را معنی‌دار می‌سازد. به زعم پیتر برگر تقدس بخشی به روابط ذاتی میان اشیاء و تلقی آن به مثابه نظامی بیرون از فرد از جمله کارکردهای اساسی دین برای تداوم بخشی به نظم اجتماعی و ایجاد شرایط پایدار است. مقررات، ارزش‌ها، طرزتلقی‌ها، نقش‌ها و نهادهای برآمده از آن بسیار بی‌ثبات‌تر از آن هستند که بدون یک نظام مشروعیت‌ساز بتوانند دوام یابند. دین از طریق القای هنجارها و ارزش‌های موجود اجتماع به عنوان بخشی از نظم ذاتی هستی، مؤمنان را در وفاداری و تعهد به این ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی یاری می‌بخشد. بدین ترتیب دین از طریق معنی بخشی و مشروع‌سازی هنجارهای اجتماعی، نظم موجود را تثبیت می‌کند و موجب رضایت از زندگی فرد می‌گردد. «دین در سراسر تاریخ یکی از مؤثرترین دژهای بشر در برابر بی‌هنجاری بوده است». در عین حال باید توجه داشت که دین فرد را به نظام اجتماعی، هنجارها و ارزش‌های آن پیوند می‌دهد و موجب رضایت از زندگی می‌گردد. هر چند به زعم برگر این ضرورت کارکردی دین است که معنا بخشی در سطح خرد موجب آرامش خاطر افراد و رضایت از زندگی و در سطح کلان سبب ایجاد نظم و ثبات در جامعه می‌گردد. بر اساس این کارکرد (کارکرد انسجام بخشی) دین با ایجاد ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، رفتارهای مشترک را ایجاد می‌کند، که این رفتارهای مشترک در بین اعضای خانواده که از طریق کارکرد انسجام بخشی دین تبیین می‌گردد موجب وابستگی و انسجام درونی خانواده می‌گردد. کارکرد دین تحکیم گروه است (همان منبع، ۱۵).

چرا که دین با توجه به پیامدها و کارکردهایی که در سطح فردی و اجتماعی دارد همواره یکی از تعیین کننده‌ترین عوامل در شکل‌دهی و جهت‌دهی به جوامع انسانی بوده است. دین اثرات متعددی در ابعاد اجتماعی و فردی دارد که تمام آنها به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم می‌توانند بر رضایت از زندگی فرد اثرگذار باشند. برای مثال پیامدهای اجتماعی دینداری عبارتند از:

۲۰۵ ... بررسی رابطه بین دینداری با سازگاری ...

- مذهب می‌تواند در هماهنگی و تعامل اجتماعی نقش داشته باشد.
- از طریق ایجاد اصول اعتقادی و ارزش‌های مشترک یک هویت اجتماعی را تقویت کند.
- با ایجاد هماهنگی فکری و اعتقادی بین مردم ایشان را به یکدیگر نزدیک کرده و انسجام اجتماعی را افزایش دهد.

در سطح فردی نیز مهمترین کارکردهای مذهب را می‌توان چنین خلاصه کرد:

- دادن معنا و هدف به زندگی فرد
 - ایجاد احساس آرامش در فرد
 - ایجاد نظامی از ارزش‌های اخلاقی برای فرد
 - تثبیت احساس تعلق فرد به جامعه
 - تشکیل هویت فردی انسان
- چنانکه پیداست تمام عوامل بالا بر رضایت از زندگی فرد اثر اثرگذار هستند ولی به طور کلی می‌توان گفت مذهب دست کم از سه طریق بر رضایت از زندگی فرد اثر می‌گذارد:

اول این که مذهب احساس معنی‌دار بودن زندگی را به انسان می‌دهد و با طرد احساس پوچی و ایجاد آرامش درونی باعث امیدواری می‌شود. دوم این که اصول و احکام مذهبی یک سبک سالم برای زندگی پیشنهاد می‌کنند و سوم این که انسان‌ها با شرکت در مراسم‌های جمعی دینی هم از حمایت سایرین برخوردار می‌شوند و هم با برخورداری از خوش‌بینی و اعتماد نسبت به سایر مردم تحت تاثیر تعالیم دینی، به سرمایه اجتماعی خویش افزوده و رضایتمندی بیشتری کسب می‌شود (ربانی، ۱۳۹۰: ۸۹-۹۰).

گلاک و استارک (۱۹۶۵) با توجه به مطالعات تجربی که در حوزه دین پرداخته شده بود ویژگی‌های متفاوتی را برای دینداری برگزیده‌اند که این ویژگی‌ها را حول پنج

بعد جمع کردند و مفهوم عملیاتی مجزایی از دین ساختند. این ابعاد پنج گانه بر اساس نوشته این دو محقق عبارتند از:

۱. بعد اعتقادی یا باورهای دینی: نوعی ادراک فردی برخاسته از معرفت دینی که به فرد بیش خاصی در زمینه حقانیت اصول دینی ارائه می‌دهد. در واقع، بعد اعتقادی عبارت است از: باورهایی که انتظار می‌رود پیروان آن دین به آنها اعتقاد داشته باشند.

۲. اعمال دینی: که به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) شعائر یا مناسک: آداب و رسوم تدوین شده که در میان معتقدان به دین رفتارهای نمونه‌ای به حساب می‌آیند. مناسک به طور کامل مراسمی است که در هر دین از پیروان آن انتظار می‌رود آنها را بجا آورند.

ب) پرستش و دعا: اعمال فردی و خصوصی که فرد آنها را با رضایت خاطر و بدون اجبار انجام می‌دهد.

۳. بعد تجربه دینی: موقعیت‌های برتر ایجاد شده‌ای که فرد در آنها خود را رویاروی و مواجه با شعور برتر احساس می‌کند.

۴. دانش دینی: شامل دست کم آگاهی فرد مؤمن از دین مورد قبول خود اوست، زیرا شناخت اصول و فروع دین و سنت‌ها، تاریخ و دیگر امور دینی در کمترین سطح ممکن لازم است تا فرد را به عمل دینی بکشاند.

۵. پیامدها: این بعد بر رفتار روزمره و غیر دینی افراد ناظر است. حضور و وجود اندیشه و حس خداگرایانه در متن زندگی که در رفتار غیر دینی فرد استحکام می‌یابد و به زندگی او رنگ و بوی دینی می‌دهد، از نتایج پیامدهای دینداری است (حاتمی، ۱۳۸۸):

«ابعاد دینداری و شاخص‌های آن (گلاک و استارک)»

ابعاد اصلی دینداری و تعاریف آن ^۱	شاخص‌ها
بعد پیامدی: (اجرای اصول و فرامین دینی)	- رعایت حقوق دیگران - کمک به محرومین، خوبی کردن در حق دیگران و احساس همدردی با دیگران
بعد اعتقادی: (اعتقادات و نگرش‌های پیروان یک دین)	اعتقاد به خدا و اعتقاد به فرشتگان و شیطان و اعتقاد به روز قیامت و اعتقاد به پیامبری حضرت محمد (ص)، اعتقاد به آسمانی بودن قرآن و حقیقت آن
بعد عاطفی: (تجربیات معنوی و احساسات در ارتباط با خدا)	احساس آرامش کردن موقع توکل به خدا، احساس معنویت در مکان‌های مقدس احساس شغف از ارتباط با خدا، احساس لذت از پذیرش توبه توسط خداوند احساس نزدیکی به خدا موقع عبادت
بعد مناسکی: (اعمالی که پیروان یک دین در چارچوب زندگی دینی انجام می‌دهند)	ادای نماز روزانه، شرکت در نماز جماعت، قرائت قرآن، روزه داری، شرکت در عبادات جمعی چون دعا و نیایش

پس دین با کارکردهای گوناگون خود مانند کاهش درد و رنج‌های ناتمام، که اگر چه بتوان با علم درد و رنج را تقلیل داد ولی نمی‌توان به آنها معنا بخشید، چرا که معنابخشی به آن موجب آرامش می‌گردد. همچنین دین با کارکردهای انسجام

- بر اساس نظر متخصصان سنجش دینداری، در ایران به دلیل برخورداری نسبتاً یکسان مردم از دانش دینی این این بعد از سنجش مفهوم دینداری حذف گردید و چهار بعد دیگر مبنای سنجش قرار گرفت.

بخشی، معنابخشی، تقدس‌بخشی، حیات‌بخشی و قوام‌بخشی در اجتماع و به تبع آن بر روابط خانوادگی با ابعاد گوناگون زندگی زناشویی مانند وابستگی و تعلق در بین همسران، آرامش موجود در روابط آنها و برآوردن نیازهای عاطفی همسران نقش مؤثری دارد.

در ایران دین به عنوان نهادی با نفوذ و مؤثر در عرصه زندگی اجتماعی همواره مطرح بوده است. بر اساس آنچه ذکر شد، دین می‌تواند به دلایل متعدد یکی از عناصری باشد که سازگاری زناشویی را تبیین می‌کند.

۱. دین به عنوان یک نهاد اجتماعی نظم‌دهنده عمل می‌کند و احساس سازگاری زناشویی را در نتیجه نظم ایجاد شده در روابط زوجین ارائه می‌دهد.

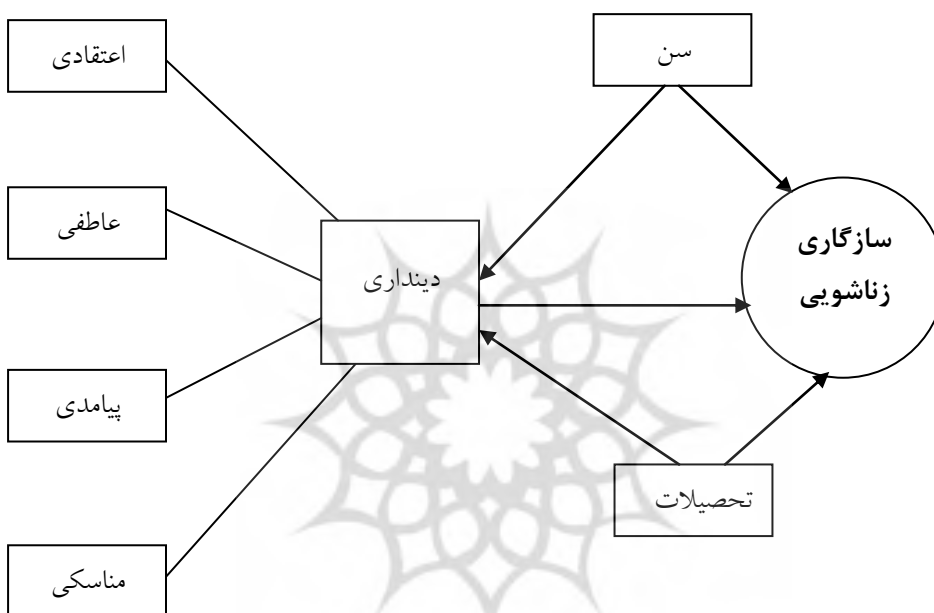
۲. دین باعث ایجاد همبستگی و انسجام بین اعضای خانواده شده و حس جدا افتادگی را در افراد تقلیل می‌دهد.

۳. فرد دیندار خداوند را حامی و مراقب خود دانسته و احساس رهاشدگی و پوچی نمی‌کند، در نتیجه در مقابل مشکلات زناشویی به خدا توکل کرده و همواره در صدد برقراری روابط زناشویی بهتر می‌باشد.

همچنین دین از عوامل مهم و تأثیرگذار در سلامت ذهن است، دین چهره جهان هستی را در نظر فرد دیندار تغییر می‌دهد. فرد دیندار خود را در حمایت همه جانبه خداوند می‌بیند و در مقابل ناملایمات زندگی دچار ناامیدی و اضطراب نمی‌گردد.

مدل تحلیلی تحقیق

مدل تحلیلی تحقیق با توجه به نظریه‌های ارائه شده انتخاب و نشان می‌دهد چه عواملی با سازگاری زناشویی مرتبط هستند.



فرضیه‌های پژوهش

- بین دینداری و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین بعد اعتقادی دینداری و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین بعد مناسکی دینداری و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین بعد عاطفی دینداری و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین بعد پیامدی دینداری و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین سن، تحصیلات و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و از لحاظ نحوه اجرا، پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش تمام زنان متأهل شهر گرگان ساکن در ۳۶ محله مورد نظر را در بر می‌گیرد که شامل ۱۴۴۴۰۶ نفر بوده‌اند. حجم نمونه آماری این پژوهش شامل ۳۶۸ زن متأهل بود که با استفاده از فرمول کوکران با ضریب خطای ۵ درصد تعیین و پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص، داده‌های مربوط به ۳۶۰ نفر مورد پردازش و تحلیل قرار گرفت و برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای توأم با شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شد، به طوری که نخست ۳۶ محله با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک از کل محلات شهر گرگان انتخاب شدند، سپس در هر محله به مثابه یک بلوک شهری متناسب با حجم جمعیت آن، از خانوارهای ساکن با روش تصادفی سیستماتیک ۱۰ زن متأهل انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بود. برای جمع‌آوری اطلاعات از آزمون سازگاری زناشویی لاک والاس به همراه پرسشنامه دینداری استارک استفاده شد. آزمون سازگاری زناشویی لاک والاس یک پرسشنامه خود گزارش‌دهی کوتاه است که به منظور اندازه‌گیری کیفیت کنش‌وری ازدواج طراحی شده است و معمول‌ترین ابزار اندازه‌گیری به کار برده شده در این زمینه است. این آزمون حاوی ۱۵ سؤال است که نشان می‌دهد تا چه حد پاسخ دهنده با همسر خود در خصوص تعدادی از فعالیت‌هایی که در سازگاری زناشویی نقش بنیادین دارند، موافق است، همچنین این آزمون بر اساس مقیاس لیکرت (۱ کاملاً موافقم و ۵ کاملاً مخالفم) تهیه شده است. دامنه نمرات این آزمون می‌تواند از ۷۵-۱۵ باشد. نمرات پایین، ناسازگاری و نمرات بالا، سازگاری را نشان می‌دهد. آزمون سازگاری زناشویی در ادبیات روانشناختی به عنوان ابزار معتبر اندازه‌گیری رضایت از ازدواج و مقیاسی برای پیش‌بینی سازگاری آینده شناخته می‌شود. این آزمون با کاربرد روش دو نیمه کردن، اعتبار ۹۰ درصد را نشان داده است. همچنین

این آزمون با ایجاد تمایز واضح و آشکار بین همسرانی که به خوبی سازش یافته‌اند و آن‌هایی که در ازدواج خود دچار تنیدگی هستند، روایی بسیار بالایی نشان داده است. این آزمون توسط مظاهری (۱۹۹۷ و ۱۳۷۹) ترجمه و روی یک نمونه از زوج‌های ایرانی به کار برده شده است (شاکریان، ۱۹:۱۳۹۱). در این پژوهش برای محاسبه پایایی پرسشنامه سازگاری زناشویی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریب پایایی، ۰/۸۸ بدست آمد. همچنین اساس کار برای سنجش دینداری در این تحقیق، مدل گلاک و استارک برای سنجش دینداری پاسخگویان است. از این رو، میزان دینداری پاسخگویان در چهار بعد اعتقادی (باورهای دینی)، مناسکی (اعمال دینی)، تجربی (عواطف دینی) و پیامدی (آثار دینی) مورد سنجش قرار گرفته است. ضریب پایایی پرسشنامه دینداری ۰/۸۷ بدست آمد. روایی محتوایی (صوری) مقیاس، مورد تایید ۱۲ نفر از متخصصین صاحب‌نظر در حوزه‌های روانشناسی، روانسنجی و دینی که سابقه انجام طرح پژوهشی در این زمینه را داشتند قرار گرفت (خدایاری فرد، ۱۳۸۵: ۵). پردازش و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای آماری مناسب^۱ انجام شد. انتخاب آزمون‌های آماری متناسب با سطح سنجش داده‌ها صورت گرفت.

یافته‌های پژوهش

۱- ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی پاسخگویان

ویژگی‌های اجتماعی^۰ جمعیتی نمونه‌های مورد مطالعه جهت آشنایی با زمینه‌های اقتصادی^۰ اجتماعی پاسخگویان مورد توجه قرار گرفت. برای این منظور گروه‌های تحصیلی، گروه‌های سنی، طبقه اجتماعی، محل تولد، مدت ازدواج، و تعداد فرزندان پاسخگویان مورد سنجش قرار گرفت که اطلاعات آن به شرح جدول ذیل خلاصه گردیده است.

جدول ۱- توزیع ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی پاسخگویان

متغیرهای اجتماعی - جمعیتی			تعداد	درصد	متغیرهای اجتماعی - جمعیتی			تعداد	درصد
گروه‌های تحصیلی	طبقه اجتماعی	پایین	۵۸	۱۶/۱	میانگین تحصیلات	۱۴/۲۵			
		متوسط	۲۵۴	۷۰/۶		زیر ۳۰	۱۰۷	۲۹/۷	
		بالا	۴۸	۱۳/۳		۳۰-۴۱	۷۷	۴۵/۳	
		میانگین طبقه اجتماعی	۱/۵۷۲	۱۲/۲		۴۴	۲۱/۴	۷۷	
گروه‌های سنی	محل تولد	گزینه‌ها	تعداد	درصد	مدت ازدواج	میانگین گروه‌های سنی			
		شهر	۲۸۷	۷۹/۷		تعداد	۳۵/۹۱	فرزندان	
		روستا	۷۳	۲۰/۳		فرزندان			
		میانگین	۱/۷۹۷						
		میانگین	۱۳۷/۴۱۳						
میانگین گروه‌های سنی			۳۵/۹۱						

داده‌های جدول شماره یک حاکی از آن است که بیشترین فراوانی (۴۵/۳ درصد) پاسخگویان به گروه سنی ۳۰-۴۱ سال تعلق داشته‌اند و شاخص میانگین نشان می‌دهد که به طور متوسط پاسخگویان در مجموع حدود ۳۶ سال سن داشته‌اند. همچنین اکثریت پاسخگویان ۵۴/۴ درصد به گروه تحصیلی ۱۳-۱۶ (کاردانی و کارشناسی) تعلق داشته‌اند. به لحاظ محل تولد، حدود چهار پنجم آنان (۷۹/۹ درصد) در شهر متولد شده‌اند. علاوه بر این داده‌ها حاکی از آن است که اکثریت پاسخگویان (۷۰/۶ درصد) به لحاظ پایگاه اقتصادی^۰ اجتماعی، خود را در طبقه اجتماعی متوسط قرار داده‌اند.

۲۱۳ بررسی رابطه بین دینداری با سازگاری ...

میانگین مدت ازدواج پاسخگویان حدود ۱۱/۵ سال بوده است و میانگین تعداد فرزندان ۱/۲ فرزند بوده که نشان می‌دهد سیاست تک فرزندی بر ساختار تعداد مطلوب فرزندان در خانواده‌ها مسلط است.

جدول ۲- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان سازگاری زناشویی

ردیف	میزان سازگاری زناشویی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی تجمعی
۱	خیلی کم	۷	۱/۹	۱/۹
۲	کم	۳۹	۱۰/۸	۱۲/۸
۳	متوسط	۵۲	۱۴/۴	۲۷/۲
۴	زیاد	۱۹۰	۵۲/۸	۸۰/۰
۵	خیلی زیاد	۷۲	۲۰/۰	۱۰۰/۰
	مجموع	۳۶۰	۱۰۰	-
میانگین ۳/۷۸				

میزان سازگاری زناشویی در جدول شماره ۲ توصیف شده است، همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود اکثریت قریب به اتفاق پاسخگویان دارای سازگاری زناشویی در حد نزدیک به زیاد می‌باشند. شاخص میانگین (۳/۷۸) نشان می‌دهد که به طور متوسط پاسخگویان از میزان سازگاری زناشویی در حد بیش از متوسط و نزدیک به زیاد برخوردارند.

جدول ۳- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان دینداری

ردیف	میزان دینداری	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی تجمعی
۱	خیلی کم	۱۵	۴/۲	۴/۲
۲	کم	۴۳	۱۱/۹	۱۶/۱
۳	متوسط	۱۲۱	۳۳/۶	۴۹/۷
۴	زیاد	۱۳۶	۳۷/۸	۸۷/۵
۵	خیلی زیاد	۴۵	۱۲/۵	۱۰۰
	مجموع	۳۶۰	۱۰۰	—
میانگین ۳/۴۲				

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، اکثریت قریب به اتفاق پاسخگویان دارای دینداری در حد بیشتری از متوسط می‌باشند. شاخص میانگین (۳/۴۲) نشان می‌دهد که به طور متوسط پاسخگویان از میزان دینداری در حد بیش از متوسط برخوردارند.

جدول ۴- رابطه بین دینداری و ابعاد آن با سازگاری زناشویی

متغیر مستقل	نام آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی داری
دینداری	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۹**	۰/۰۰۲
پیامدی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۷**	۰/۰۰۵
مناسکی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۳*	۰/۰۳
اعتقادی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۲*	۰/۰۳
عاطفی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۰۹	۰/۱

همچنان که ملاحظه می‌شود، بین میزان دینداری و سازگاری زناشویی همبستگی معناداری در سطح ۰/۱۹ و با سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. بنابراین فرضیه اصلی

تحقیق مورد تأیید قرار گرفت. آزمون فرضیه‌های فرعی تحقیق درباره رابطه بین ابعاد دینداری با سازگاری زناشویی منتج به نتایج ذیل گردید.

۱- بعد اعتقادی (باورهای دینی): باورهای دینی شامل اعتقادات فرد به جهان آخرت، خدا و پیامبر خداست. در این تحقیق به منظور سنجش بُعد اعتقادی پاسخگویان، میزان شناخت و اعتقاد به خدا و اعتقاد به آخرت و زندگی پس از مرگ پرسش شده است. نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین بعد اعتقادی و سازگاری زناشویی وجود دارد. این همبستگی مثبت بوده، در سطح $0/12$ و با سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. بدین معنا که با افزایش جنبه‌های اعتقادی بر سازگاری زناشویی افزوده می‌شود.

۲- بعد مناسکی (اعمال دینی): به منظور سنجش اعتقاد و عمل به مناسک دینی، میزان عمل به اعتقاد و عمل پاسخگویان به اعمال دینی، از جمله نماز، روزه و قرائت قرآن مورد پرسش قرار گرفت. نتایج آزمون نشان دهنده رابطه معنادار بین بعد مناسکی دینداری و سازگاری زناشویی است. این همبستگی مثبت بوده، در سطح $0/13$ و با سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. بدین معنا که با افزایش جنبه‌های مناسکی دینداری و انجام واجبات و پرهیز از محرّمات، بر سازگاری زناشویی افزوده می‌شود.

۳- بعد تجربی یا عاطفی: شامل احساسات و تأثیراتی است که در ارتباط فرد با خداوند متعال در انسان بوجود می‌آید، برای سنجش این مفهوم نیز از سؤال‌هایی، از جمله احساس نزدیکی به خدا و شروع کار با نام خدا استفاده شده است. نتایج تحلیل پیرسون حاکی از عدم وجود رابطه معنادار بین بعد عاطفی دینداری و سازگاری زناشویی است. بدین معنا که با افزایش جنبه‌های تجربی بر سازگاری زناشویی افزوده نمی‌شود.

۴- بعد پیامدی: این بُعد به اعمال و باورهای روزمره زندگی انسان مربوط است و به طور کلی معلول و پیامد دیگر دینداری در جامعه است. نتایج حاصل از آزمون پیرسون گویای وجود همبستگی معنادار بین بعد پیامدی دینداری و سازگاری زناشویی است. این

همبستگی مثبت بوده، در سطح ۰/۱۷ و با سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. این بُعد بالاترین شدت رابطه با سازگاری زناشویی را دارد.

جدول ۵- رابطه بین سن، تحصیلات با سازگاری زناشویی

متغیر مستقل	نام آزمون	مقدار آزمون	سطح معناداری
سن	ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۱۱	۰/۱۶۰
تحصیلات	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۸**	۰/۰۰۱

نتایج تحلیل ضریب همبستگی پیرسون حاکی از عدم وجود رابطه معنادار بین سن با سازگاری زناشویی است. بدین معنا که با افزایش سن بر سازگاری زناشویی افزوده نمی‌شود. اما این نتایج گویای وجود همبستگی معنادار بین تحصیلات و سازگاری زناشویی است. این همبستگی بین تحصیلات و سازگاری زناشویی مثبت بوده، در سطح ۰/۱۸ و با سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. بدین معنا که با افزایش تحصیلات بر سازگاری زناشویی افزوده می‌شود.

تحلیل رگرسیونی

برای فهم اثر متغیرهای گوناگون بر متغیر وابسته، از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. تحلیل رگرسیونی از بهترین روش‌های تحلیلی است که تأثیرهای مشترک و مجزای متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته ارزیابی و سنجش می‌کند. در این مطالعه، جهت پیش‌بینی و تعیین میزان تغییرات متغیر وابسته، از روش تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شد.

جدول ۶- مدل اول: نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره تأثیر ابعاد اصلی دینداری با

سازگاری زناشویی

پس رونده	روش ورود متغیرها
$R = ۰/۱۶۶$	ضریب همبستگی چندگانه
$R\text{ Squar}=۰/۰۲۸$	ضریب تعیین
$\text{Adjusted } R\text{ Squar}= ۰/۰۲۴$	ضریب تعیین تعدیل یافته
$\text{Std. Error of the Estimate} =۱۱/۸۷۵$	خطای معیار (خطای همبستگی)
$F= ۸/۱۷۴$	تحلیل واریانس
$\text{Sig}=۰/۰۰۵$	سطح معناداری

چنانچه مشاهده می شود، ضریب همبستگی چندگانه، ضریب تعیین، ضریب تعیین تعدیل یافته، خطای معیار برآورد (خطای همبستگی)، مقدار ضریب F و سطح معناداری آن در جدول ۶ گزارش شده است.

جدول ۷- مدل اول: ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون چند متغیره تأثیر ابعاد اصلی دینداری

بر سازگاری زناشویی

آماره های هم خطی		سطح معناداری	مقدار آزمون	خطای معیار رگرسیون استاندارد نشده	ضریب رگرسیون استاندارد شده بتا	ضریب رگرسیون استاندارد نشده	متغیرهای مستقل
Tolerance	VIF	آزمون t	آزمون t	S.E	Beta	B	
-	-	۰/۰۰	۷/۶۴۰	۵/۵۷۶	-	۴۲/۶۰۰	مقدار ثابت
۱	۱	۰/۰۰۵	۲/۸۵۹	۰/۱۵۴	۰/۱۶۶	۰/۴۴۰	پیامدی

جدول ۸- متغیرهای خارج از معادله

آماره‌های هم خطی		ضریب همبستگی تفکیکی	سطح معنی داری آزمون t	مقدار آزمون t	ضریب رگرسیون استاندارد شده بتا	متغیر خارج شده از مدل	شماره مدل
VIF	Tolerance						
۱/۲۸۶	۰/۷۷۸	۰/۰۳۱	۰/۵۹۶	۰/۵۳۱	۰/۰۳۵	عاطفی	۴
۱/۱۰۲	۰/۹۰۷	۰/۰۷۵	۰/۲۰۲	۱/۲۷۸	۰/۰۷۸	اعتقادی	۴
۱/۳۲۲	۰/۷۵۶	۰/۰۸۲	۰/۱۶۴	۱/۳۹۵	۰/۰۹۳	مناسکی	۴

با توجه به این که هم مقدار عامل تورم واریانس (Vif) کمتر از ۱۰ و هم مقدار ضریب حداقل تحمل^۱ بیشتر از ۰/۱ می‌باشد پس می‌توان نتیجه گرفت که هیچ‌گونه هم-پوشی یا هم خطی میان متغیرهای مستقل مورد بررسی وجود ندارد، بنابراین همبستگی میان متغیرهای مستقل نسبت به هم دیده نمی‌شود. این دو شاخص نشان می‌دهد که همبستگی بین متغیرهای مستقل بیش از همبستگی آنها با متغیر وابسته نیست. دانستن چنین اطلاعاتی به تحلیلگر کمک می‌کند تا دریابد که تا چه اندازه در انتخاب متغیرهای مستقل برای پیش‌بینی متغیر وابسته (سازگاری زناشویی) اصل عدم هم‌پوشی متغیرهای مستقل نسبت به هم را رعایت کرده است.

همانطور که ملاحظه می‌شود، برای معادله رگرسیون، آزمون آنالیز واریانس محاسبه گردیده و مقدار F برابر ۸/۱۷۴ و معنی دار بودن F نیز (Sig = ۰/۰۰۵) است که نشان می‌دهد به طور حتم سازگاری زناشویی با این بعد اصلی دینداری دارای رابطه خطی مستقیمی است. طبیعی است که احتمال بدست آمدن تصادفی نسبت F در حد صفر است. بنابراین رابطه بین ابعاد اصلی دینداری با سازگاری زناشویی نمی‌تواند تصادفی پیش آمده

1. Tolerance

باشد. پس فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر رابطه بین دینداری و سازگاری زناشویی بار دیگر مورد تأیید قرار می‌گیرد.

ضریب همبستگی چند متغیری (چندگانه) برابر است با $R=0/166$ این مقدار ضریب نشان دهنده رابطه در حد پایین (رو به بالا) بین سازگاری زناشویی با ابعاد اصلی دینداری می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل یافته در این معادله رگرسیونی برابر با $0/024$ حاصل شده است. این ضریب نشان می‌دهد که ابعاد اصلی دینداری به تنهایی $2/4$ درصد از تغییرات مربوط به سازگاری زناشویی را تبیین می‌کنند. بقیه تغییرات آن مربوط به متغیرهایی است که در این معادله وارد نشده‌اند و در مرحله بعدی وارد معادله خواهند شد. به عبارت دیگر ضریب تعیین تعداد درجات آزادی را به حساب نمی‌آورد در حالی که مقدار ضریب تعیین تعدیل یافته، با لحاظ نمودن درجات آزادی تعدیل می‌گردد پس آماردانان ترجیح می‌دهند به جای ضریب تعیین از ضریب تعیین تعدیل شده استفاده نمایند. در این ضریب تعداد متغیرهای مستقل در رابطه با تعداد مشاهدات مد نظر قرار می‌گیرد (منصورفر، ۱۳۸۶: ۱۶۶). در این معادله، میزان خطای معیار یا خطای همبستگی برابر با $11/875$ می‌باشد. این شاخص نشان دهنده میزان قدرت پیش‌بینی معادله رگرسیون چند متغیری می‌باشد.

در جدول شماره ۸ متغیرهای خارج از معادله گزارش شده‌اند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، سه مورد از ابعاد مهم دینداری یعنی عاطفی، اعتقادی، مناسکی که خود شاخصی از مولفه‌ها و ابعاد می‌باشند، از معادله کنار گذاشته شده‌اند. از آنجا که رابطه بعد عاطفی با سازگاری زناشویی در سطح $0/096$ ، بعد اعتقادی در سطح $0/202$ و بعد مناسکی در سطح $0/164$ معنادار نبوده‌اند پس از معادله کنار گذاشته شده‌اند. این واقعیت در رگرسیون ساده شاخص سازگاری زناشویی با متغیرهای مستقل نیز ملاحظه شد، به طوری که شاخص‌های عاطفی، اعتقادی و مناسکی با سازگاری زناشویی ارتباط معناداری ندارند. با این وجود بعد پیامدی با سازگاری زناشویی رابطه معناداری داشته و حدود $2/8$ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی سازگاری زناشویی را تبیین می‌کند.

نتیجه‌گیری و بحث

زوجین سازگار زن و شوهرهایی هستند که توافق زیادی با یکدیگر دارند، از نوع و سطح روابطشان راضی‌اند، از نوع و کیفیت گذراندن اوقات فراغت رضایت دارند و در زمینه وقت و مسائل مالی مدیریت خوبی اعمال می‌کنند (گریف و همکاران، ۲۰۰۱، به نقل از احمدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۳).

این پژوهش با هدف بررسی جامعه‌شناختی تأثیر دینداری بر سازگاری زناشویی زنان متأهل ساکن شهر گرگان انجام شده است. بدین منظور میانگین میزان دینداری، سازگاری زناشویی، تحصیلات، طبقه اجتماعی، گروه‌های سنی و محل تولد توصیف شده است. در بررسی رابطه بین ابعاد گوناگون دینداری و سازگاری زناشویی نتایج زیر را می‌توان به صورت کلی بیان نمود:

- از لحاظ بعد تجربی یا عاطفی رابطه معناداری با سازگاری زناشویی مشاهده نشد.
- از لحاظ بعد اعتقادی، رابطه معناداری با سازگاری زناشویی وجود دارد، به طوری که با افزایش ابعاد اعتقادی پاسخگویان سازگاری زناشویی آنها افزایش می‌یابد، پس اعتقاد به وجود خدا و باورهای مذهبی باعث می‌شود زنان سازگاری بیشتری با همسران خود داشته باشند.
- از لحاظ بعد مناسکی نیز رابطه معناداری با سازگاری زناشویی مشاهده می‌شود، بدین معنا که با افزایش اعمال دینی پاسخگویان بر سازگاری زناشویی آنها افزوده می‌شود، زیرا فردی که خود را درگیر بعد مناسکی می‌کند، از سازگاری زناشویی بالاتری بهره‌مند می‌شود.
- چهارمین بعد دینداری، بعد پیامدی است که نتایج تحلیل‌ها گویای وجود رابطه معنادار بین بعد پیامدی و سازگاری زناشویی می‌باشد بدین معنا که افزایش اعمال دینی، مانند حضور در مناسک جمعی به ویژه حضور در مساجد، بر میزان سازگاری زناشویی زنان متأهل اثر مثبت دارد. به طور کلی نتایج تحقیق گویای

این است که رابطه معناداری بین بیشتر ابعاد دینداری و سازگاری زناشویی وجود دارد. پس فرضیه تحقیق مبنی بر رابطه دینداری و سازگاری زناشویی به اثبات می‌رسد. در مجموع، مهم‌ترین نتیجه پژوهش حاضر، تأیید رابطه بین میزان دینداری و سازگاری زناشویی زنان متأهل بوده است که مطابق با پیشینه پژوهشی و نیز مبانی نظری طرح شده راجع به دینداری و ارتباط آن با سازگاری زناشویی می‌باشد. به عبارت واضح‌تر، همان‌گونه که انتظار می‌رفت یافته‌های تحقیق نشان داد که سازگاری زناشویی زنان متأهل با افزایش دینداری آنان وضعیت مطلوب‌تری پیدا می‌کند. این یافته، مطابق با نتایج پژوهش‌های انجام شده در این زمینه که در مقدمه اشاره شد، از جمله؛ احمدی و همکاران (۱۳۸۵)، حاتمی و همکاران (۱۳۸۵)، خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۵)، ربانی (۱۳۹۰) می‌باشد که حاکی از آن بودند که دینداری، می‌تواند موجب بهبود سازگاری زناشویی شود. همچنین یافته‌های رگرسیون ساده شاخص سازگاری زناشویی با متغیرهای مستقل نشان می‌دهد که شاخص‌های عاطفی، اعتقادی و مناسکی با سازگاری زناشویی ارتباط معناداری ندارند. با این وجود بعد پیامدی با سازگاری زناشویی رابطه معناداری داشته و حدود ۲/۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی سازگاری زناشویی را تبیین می‌کند. بر اساس این نتایج می‌توان گفت که دینداری یک رابطه محکم و سالم را در بین زن و شوهر ایجاد می‌کند، همچنین به آنها کمک می‌کند که در انجام وظایف خود در زمینه‌های گوناگون از جمله تربیت فرزندان، چگونگی تصمیم‌گیری و حل تعارضات، گذران اوقات فراغت و ابراز محبت با هم توافق داشته باشند. با توجه به این مطالب می‌توان پیشنهاد داد که: میزان دینداری افراد می‌تواند به عنوان یکی از ملاک‌های پیش‌بینی سازگاری زناشویی و موفقیت در ازدواج مورد استفاده قرار گیرد. همچنین معیار دینداری می‌تواند به عنوان یکی از معیارهای انتخاب همسر ترویج داده شود. تقویت اعتقادات دینی می‌تواند به عنوان روشی برای پیشگیری از ناسازگاری زناشویی و روشی برای درمان و بهبود

ناسازگاری زناشویی مورد استفاده قرار گیرد. می‌توان گفت که زنان بیشتر از شوهران‌شان روابط بین فردی را دوست دارند پس احتمال بیشتری وجود دارد که آنان برای رفع ناسازگاری پیش قدم شوند و یا در پی بهره‌گیری از منابع خارج از خانواده و متخصصین باشند.

با توسعه دایره واژه‌ها در زنان از احساساتشان، آنان می‌توانند احساس‌های خود را به صورت مشخص و واضح شناسایی و نامگذاری کنند؛ در نتیجه، راحت‌تر ارتباط برقرار می‌کنند. پذیرش آسیب‌پذیری و ابراز احساس به وسیله زنان می‌تواند به حل اختلافات و همچنین، سازگاری زناشویی کمک کند. عامل دیگری که باعث سازگاری زناشویی در زنان می‌شود، همدلی همراه با احترام است که در فرهنگ ما این احترام در خانم‌ها نسبت به همسرانشان بیشتر است و در این همدلی، زن ذهن خود را از تمام مسائل و مشکلات ایجاد شده خالی می‌کند، با تمام وجود به طرف مقابل گوش می‌هد، احساسات طرف مقابل را تأیید می‌کند و رفتار وی را زیر سؤال نمی‌برد که این خود باعث سازگاری بیشتر می‌شود، پس با توجه به این مسائل زنان نقش زیادی در سازگاری زناشویی دارند.

منابع

- احمدی، خدابخش. (۱۳۸۵)، بررسی رابطه بین تقیدات مذهبی و سازگاری زناشویی، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، شماره پنجم.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، چاپ هفتم.
- بهار، مهری. (۱۳۹۱)، بررسی شکاف نسلی به لحاظ وضعیت دینداری دو نسل دهه ۵۰ و ۷۰ (با تأکید به بعد مناسکی)، *فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، شماره ششم.

۲۲۳ بررسی رابطه بین دینداری با سازگاری ...

- بخشایش، علیرضا (۱۳۸۸)، رابطه‌ی رضایت جنسی، سلامت عمومی و رضایت زناشویی در زوجین، *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، شماره چهارم.

- پوراحمد، احمد (۱۳۹۱)، بررسی رابطه دینداری و احساس امنیت در فضاهای شهری و روستایی. (مورد مطالعه شهرستان کوهدشت)، *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، شماره اول.

- جلالی مقدم، مسعود. (۱۳۸۶)، *درآمدی به جامعه شناسی دین و آراء جامعه شناسان بزرگ درباره دین*، نشر مرکز، تهران، چاپ دوم.

- حاتمی، حمیدرضا. (۱۳۸۸)، بررسی تأثیر میزان دینداری بر رضایت زندگی زناشویی، *فصلنامه روانشناسی نظامی*، شماره اول.

- حبیب پور، کرم. (۱۳۸۸)، *راهنمای جامع کاربرد spss در تحقیقات پیمایشی*، تهران: لویه، متفکران، چاپ سوم.

- خدایاری فرد، محمد. (۱۳۸۵)، *رابطه نگرش مذهبی با رضایت مندی زناشویی در دانشجویان متأهل*.

- دورکیم، امیل. (۱۳۸۴)، *صور بنیانی حیات دینی*، ترجمه: باقرپرهم، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم.

- ربانی، رسول. (۱۳۹۰)، بررسی تجربی رابطه دینداری و رضایت از زندگی، *مجله علوم اجتماعی* دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال هشتم، شماره ۱.

- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰)، *مقدمه‌ای بر جامعه شناسی خانواده*، تهران: انتشارات سروش.

- شاکریان، عطا. (۱۳۹۱) نقش ابعاد شخصیت و جنسیت در پیش بینی سازگاری زناشویی، *مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه*. (بهبود)، فروردین و اردیبهشت سال نودویک، دوره ۱۶، شماره ۱.

- عابدی، احمد. (۱۳۸۷)، رابطه‌ی بین ابعاد دینداری با با شادی دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهر اصفهان، *دو فصلنامه مطالعات اسلام و روان شناسی*، سال اول، شماره ۲.
- مختاری، عباس. (۱۳۸۰)، رابطه جهت‌گیری مذهبی با میزان تنیدگی، *مجله روان‌شناسی*.
- معین، لادن. (۱۳۹۰)، رابطه‌ی سخت رویی روان‌شناختی با سازگاری زناشویی، *فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه شناسی زنان*، شماره چهارم.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۸۱)، *جامعه شناسی دین*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، چاپ دوم.
- Antoneta Andreea Muraru. (2012). *Family-of-origin, romantic attachment, and marital adjustment: a path analysis model*, *procedia-social and behavioral sciences*, 33(2012)90-94.
- Dollahite, David C. (2005). *How family religious involvement benefits adults*, youth and children and strengthens families, Sutherland Institute.
- Graham, Jr, Patrick J. (2011). *An investigation of the relationship between religion and marriage on self-reported health*, B.A, Louisiana Tech University.
- Goel ,Shikha. (2012). Gender differences in marital adjustment, mental health and frustration reactions during middle age, *Iosr Journal of humanities and social science* ° pp42-49.
- Glock, C, & Stark, R. (1965). *Religion and Society in Tension*, Chicago: Rand McNally
- Haseley, Jamiel. (2006). *Marital satisfaction among newly married couple: Associations with religiosity and romantic attachment style*, University of north Texas.

- Hashemi, Hina Ahmad. (2007). Marital adjustment stress and depression among working and nonworking married women, *Internet Journal of medical update*, Vol.2, No.1.
- Najman, Jack. (1993). *The impact of achild death on marital adjustment*, Social Science Med, 37(8): 1005-10.
- Spaneer, GB. (1976). Measuring Dyadic Adjustment: New scales for Assessing the quality of Marriage and similar Dyads, *Journal of Marriage and family*, 38, 15-28.
- Ahmadi, Khodabakhsh. (2005). The relation between religious commitment and marital adjustment, *Journal of family studies*, 55-66.
- Abedi, Ahmad (2008). The relation between religiosity with happiness of secondary school female students in Isfahan, *Journal of Islamic studies and Psychology*, Number 2.
- Antoneta Andreea Muraru. (2012). *Family-of-origin, romantic attachment, and marital adjustment: a path analysis model*, procedia-social and behavioral sciences, 33(2012)90-94.
- Bahar, Mehri. (2012). Study of the generation gap in terms of religion two generations of the 50s and 70s. (with an emphasis on ritual dimension). *Sociology Journal of Youth studies*, Vol 6, 9-36.
- Bakhshaiesh, Alireza. (2009). Relationship sexual satisfaction, public health and marital satisfaction in couples, *Journal of applied psychology*, Vol4, 73-85.
- Durkheim, Emile. (2005). *The elementary forms of the religious life*, Tehran: publication center, Second edition.
- Ezazi, Shahla. (2010). *Sociology of family*.

- Dollahite, David C. (2005). *How family religious involvement benefits adults, youth and children and strengthens families*, Sutherland Institute.
- Graham, Jr, Patrick J. (2011). *An investigation of the relationship between religion and marriage on self-reported health*, B.A, Louisiana Tech University
- Goel, Shikha. (2012). Gender differences in marital adjustment, mental health and frustration reactions during middle age, *Iosr Journal of humanities and social science* ° pp42-49.
- Glock, C, & Stark, R. (1965). *Religion and Society in Tension*, Chicago: Rand McNally.
- Haseley, Jamiel. (2006). *Marital satisfaction among newly married couple: Associations with religiosity and romantic attachment style*, University of north Texas.
- Hatami, Hamidreza. (2009). Study the effect of religiosity on marital satisfaction, *Journal of military psychology* Vol1, 13-22.
- Hashemi, Hina Ahmad. (2007). Marital adjustment stress and depression among working and nonworking married women, *Internet Journal of medical update*, Vol.2, No.1.
- Habibpour, Karam. (2009). *Comprehensive manual for using spss in survey researches*, Tehran: Loie.
- Jalali Moghadam, Masod. (2007). *Introduction to the sociology of religion and sociology of great ideas about religion*.
- Khodaiarifard, Mohamad. (2006). *The relationship between religious attitude with marital satisfaction in married students*.
- Mokhtari, Abas. (2001). The relationship between religious orientation and stress, *Journal of psychology*, 56-67.

- Moien, Ladan. (2011). The relationship between psychological hardiness and marital adjustment, *Journal research sociology of women*, 163-189.
- Malcom B.Hamilton. (1943). *The sociology of religion*, Translation: Salesi Mohsen.
- Najman, Jack. (1993). *The impact of achild death on marital adjustment*, Social Science Med, 37(8): 1005-10.
- Pourahmad,Ahmad. (2012). *Study the relationship between religiosity and sense of security in rural and urban areas*. (Kohdasht city case study). Strategic security studies and social orded, Vol 1,1-20.
- Shakerian,Atar. (2012). *The role of personality dimensions and gender in predicting marital adjustment*, Research paper, 16-22.
- Sarokhani, Bagher. (1991). *Sociology of family*, Sorosh publications
- Spaneer, GB. (1976). Measuring Dyadic Adjustment: New scales for Assessing the quality of Marriage and similar Dyads, *Journal of Marriage and family*, 38, 15-28.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی